

# پیک رضوان

دانگان

نشریه فرهنگی مذهبی پیک رضوان شماره پنجم و یکم  
ویژه مرداد ماه سال ۱۳۹۴ شمسی ۱۴۲۶ هجری قمری

حضرت امام علی (علیه السلام) فرموده اند: تملق گفتن و حسد بردن از خلقيات مردان با ايمان نیست مگر در راه فرا گرفتن علم و دانش.

تحف العقول، ص ۲۰۷

این نشریه حاوی اسماء متبرک است



## نشانه های قبل از ظهور

مرحوم شیخ صدوق و برخی دیگر از بزرگان آورده اند: روزی حضرت امیرالمؤمنین، امام علی علیه السلام در جمع بسیاری از مردم سخنرانی می نمود: در ضمن فرمایشات خود، خطاب به مردم کرد و اظهار داشت: ای مردم! پیش از آن که من از بین شما رحلت نمایم و مرا از دست دهید، آنچه می خواهید سؤال کنید و جویا بشوید تا از علوم من بپرسید. از بین افراد جمعیت، شخصی به نام مصفعه بن صوحان از جای برخاست و سو الا کرد: يا امیرالمؤمنین! اذ جال چگونه و در چه زمانی خارج می شود؟ امام علی علیه السلام در جواب فرمود: پیش از خروج دجال، عالم و نشانه هائی است که یکی پس از دیگری ظاهر و واقع خواهد شد. از آن جمله: مردم نسبت به نماز بی توجه شده و کارهای دنیا و امور شخصی را در اولویت قرار می دهند، نسبت به امانت بی اعتنای کشته و سهل انگاری می کنند، دروغ و دروغ گوئی را حللا و توجیه می نمایند؛ و نیز ریاخواری شایع و عادی گردد. افراد سفیه و بی خرد برای اجراء امور جامعه بگزیده می شوند، زنان در مسائل مختلف مورد مشourt قرار می گیرند، دید و بازدید خوشاوندان با یکدیگر قطع می گردند. رو ساء و حکماء، اشخاصی فاجر و فاسق باشند، و عارفان عالم، نسبت به دین خانی باشند: قاریان، قرآن را وسیله معاش و خودنمایی قرار دهند، شهادت و گواه تا حق رایج گردد، قرآن را - فقط - میزان در اطراف من پرسه بزنند. قرآن کریم در آیه ۳۶ از سوره مبارکه زخرف می فرماید: «هرکس از یاد خداوند روگردن شود، مورد عمل باشند؛ و نیز بدون آن که امور زندگی و موقعیت کاری خود، مورد عمل قرار دهند، مساجد و عبادتگاه ها مزین و مجلل - ولی بی محظا - باشد، و زن ها با مردان در امور اقتصادی و تجاری مشارکت نمایند. زنان سوار بر مركب ... می شوند؛ و همچنین از جهت قیافه، زنان و مردان شبیه یکدیگر می گردند. برای هر قضیه و جریانی شهادت دهند. بدون آن که در جریان امر و یا از واقعیت خبر داشته باشند و یا بدانند که حق با کیست. مردم دنیا و متعلقات آن را با ارزش و عظیم بدانند؛ ولی آخرت را بارزش و هیچ محسوب نمایند. سپس حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام افزود: در یک چین زمانی هر کس و هر مؤمنی به دنبال پناهگاهی می گردد؛ در آن هنگام دجال ظهور و خروج می کند، در حالی که چشم راست ندارد و چشم چیز در پیشانی او همچون ستاره صبح می درخشید، در پیشانی نقش کافر می باشد. او سوار بر الاغی سفید رنگ خواهد بود و به سوی شامات حرکت می کند و در محلی به نام بیداء - که بین مکه معمله و مدینه متوجه واقع شده است - درون زمین فرو می رود؛ و تمام تابعین و پیروان او حرام زاده هستند. سپس امام زمان علیه السلام ظهور و قیام می نماید؛ و نیز ۸- مهم نشمردن حقوق واجب مالی مانند خمس، زکات و انجام حج واجب حضرت عیسی مسیح علیه السلام بحضور می یابد و پشت سر حضرت نماز خواند. همچنین مرحوم شیخ مقید آورده است: امام جعفر صادق علیه السلام فرمود: پیش از آن که حضرت قائم - آل محمد علیهم السلام - قیام و ظهور نماید: به جهت زیادی معصیت و گناه، مردم به وسیله آتش و نور سرخی که در آسمان نمایان می شود مورد زجر و سختی قرار می گیرند.

چهل داستان و چهل حدیث از امام زمان (ع) / عبدالله صالحی

**هم نشینت را انتخاب کن: فرشته یا شیطان؟!**

همیشه بروانه ها به دنبال گلی می گردند و مگن ها به دنبال زباله دان، پس اگر مقابل منزل شما باگچه ای از گلهای رنگارنگ باشد پروانه ها به خانه شما هجوم می آورند و اگر مقابل خانه کسی زباله نیست، تند تند حرف نمی زند. در هر زمینه ای نظر نمی دهد، درباره هر کسی قضاوت نمی کند، تا از سوال نشود، اظهار نظر نمی کند و سکوت می کند. البته جانی که انسان باید صحبت کند تباید کوتاهی کند چون گاهی زمینه تذکر و خیرخواهی فراهم می شود و انسان می تواند با سخشن غم از دل نکته بیشتر دقت کنیم که چرا شیاطین به سراغ برخی افراد بیشتر می روند و فرشتگان با جمعی بیشتر مأوس هستند. بدون شک این مسأله هم برمی گردد به اخلاق و رفتار خود آدم ها. کسانی که فرشته خو هستند فرشتگان را جذب می کنند و آن ها که شیطان صفت هستند شیاطین را به سوی خود می کشانند. در نتیجه من، خود تعیین کننده هستم که شیاطین به سراغ من بیایند یا نه و به چه میزان در اطراف من پرسه بزنند. قرآن کریم در آیه ۳۶ از سوره مبارکه زخرف می فرماید: «هرکس از یاد خداوند روگردن شود، مورد عمل شیطانی را به سراغ او می فرستیم که همواره با او همنشین خواهد بود» ناگفته پیداست این فرستادن شیطان، نتیجه چراغ سبزی است که فرد، خودش به شیطان نشان داده و در اثر زمینه سازی او بادست شده و خداوند دست حمایتش را برداشته و شیطان به او طمع نموده است. نمونه هایی از چراغ سبز نشان دادن به شیطان

- ۱- بی ادبی، حرمت شکنی و بدزبانی در خانواده
- ۲- رعایت نکردن شان بزرگترها به ویژه والدین
- ۳- رعایت نکردن حدود برخود با نامحرم و به ویژه خلوت با نامحرم
- ۴- دقت نداشتن در عمل به تعهدات کاری از جهت زمان و کیفیت و کمیت کار
- ۵- کنترل نکردن خشم و عصبانیت
- ۶- کم دقیقی در حفظ امانت مردم
- ۷- اهمیت ندادن به حقوق مالی مردم در معاملات و داد و ستد
- ۸- مهم نشمردن حقوق واجب مالی مانند خمس، زکات و انجام حج واجب
- ۹- آری هرچه بیشتر مراقب این امور و امثال آن باشیم، شیاطین از ما دور شده و فرشتگان به سراغمان می آیند و خداوند مهربان از ما خشنود خواهد بود.
- ۱۰- مهدی عدالتیان

## رمز و راز موقیت جناب لقمان (قسمت دوم)

در نوبت قبل دو مورد از عوامل رمز و راز موقیت لقمان

را از فرمایشات امام صادق علیه السلام مرور کردیم:

۱- در انجام فرمان خدا قوی بود - ورع و در این نوبت به

ادامه عوامل می پردازیم;

۳- سکوت لقمان زیاد بود.

حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: وقتی عقل کامل باشد، سخن کم می شود.» معمولاً انسانها حرص صحبت کردن دارند. هرچه انسان عاقل ترباشد، کم حرف تراست. در سکوت، انسان مجال فکر کردن دارد و بیشتر می شنود اما اگر تندند صحبت کند، حساب حرفهایش را نمی تواند داشته باشد. درباره سکوت در قرآن و روایات مطلب زیاد است

از جمله این تعبیرگشنسگی است که بعضی های گویند خداوند دوگوش به ما داده و یک زبان، یعنی دو تا حرف بشنو و یک حرف بزن اما بعضی ده تا حرف

می زند و یکی گوش نمی دهد. درباره سکوت در قرآن و روایات مطلب زیاد است

قدری استراحت کنم. با یکی از دوستان که پدرش با غ بزرگ و پر میوه ای

داشت، هماهنگ گردد و صحیح زود به آنها فرمتم، فضای دل آنگیز و با صفاتی

بود از قدم زدن در باغ و مشاهده انواع گل ها و میوه ها لذت می بدم که

نگاهان فکری به ذهنم رسید. با خود گفتم: چرا خود را لای باید بحث های

پیچیده و سخت، خسته گرده و راه را دور و دورتر کنم. براستی این همه

شگفتی ها در این گل ها و میوه ها، چگونه می تواند کاری تصادفی و یا

پدیده ای مادی و بی شعور باشد؟ چه کسی جوانه را بآن

ظرافت فوق العاده هدایت می کند که دز محکم اطراف خود را بشکافد و از

آن سر بیرون درآورد و با جهان خارج رابطه برقرار کند، از مواد غذایی

خاک بپرسید، از آب و رطوبت موجود در اطرافش سیراب شود و به

سرعت در دو طرف مختلف شروع به حرکت کند؟ از یک سو به صورت

ریشه به زمین فرو رود و از سوی دیگر به صورت ساقه سر از زمین برداد؟

چگونه ریشه در عین لطفت از لای سنتگ ها و زمین های سخت می

گذرد؟ چه کسی به برگ این ویژگی های طلیف و مهم را داده است که

در کارهای مختلف عادت ما شود (درخانواده ها، در اداره ها، در مدارس و

دانشگاه ها) و هرقسمتی با فکر کردن سنجیده شود، خیلی برکات دارد.

گاهی می بینید در یک مجموعه ای بی فکری است و کارها ربطی به هم ندارد

و هرگز کار خودش را می کند، در این حالت چقدر اتریز و بودجه مصرف

ها و برگ های درخت برساند؟ چه کسی به آفتابگردان آموخته است که گل

سوراخ های بسیار ریز روی برگ، هوا را در این جا

کرده و کلوفیل گیاهی با آن می سازد و در مقابل اکسیژن و مقداری

روطوبت برای پاکسازی هوا عرضه می کند؟ چه نیرویی به گیاهان اجازه می

دهد برخلاف قانون جاذبه آب را زمین به طرف بالا برد و به همه شاخه

های خود را اول صبح رو به سوی مشرق و هنگام غروب رو به سوی مغرب

قرار دهد؟ چه کسی عصاره ای در لذت بخش و معطر را در درون بخش های

مخالف قاچ های پرتقال قرار داده و این شیشه های خوراکی را بگوشه های

بدون فاصله در کنار هم گذاشته تا درین آنها هوا نفوذ نکند و این عصاره

ی خوش مزه و مفید، هم سالم بماند و هم قابل حمل باشد؟ آیا می توان این

همه زیبایی و شگفتی که در گل ها و گیاهان مشاهده می شود را به غیر

خالق قادر و حکیم نسبت داد؟ هرگز آن روز، روز بسیار زیبا و آموزنده ای

بود و به این نتیجه ی مهم رسیدم که شناخت خالق هستی کاری بسیار

فکری را باز کنید و از این نعمت الهی استفاده کنید. البته فکر باید منظم و با

محض معین باشد. بعد از نماز ۱۰ دقیقه بشنیدن و در یک موضوع معین

فکر کنید، سپس خواهید دید درهای خوبی به رویتان باز می شود.

موسسه راه روش  
موسسه راه روش

**باورهای من ۳: تصادف یا تدبیر؟**

از بحث های خشک فلسفی و مطالعه ای بحث و جنجال های لفظی و برهان و استدلال های خسته کننده، حوصله ام سر رفته بود و دلم می خواست قدری استراحت کنم. تصمیم گرفتم به با غ بروم و روزی را در آرامش و قدری استراحت کنم. با یکی از دوستان که پدرش با غ بزرگ و پر میوه ای داشت، هماهنگ گردد و صحیح زود به آنها فرمتم، فضای دل آنگیز و با صفاتی بود از قدم زدن در باغ و مشاهده انواع گل ها و میوه ها لذت می بدم که ناگهان فکری به ذهنم رسید. با خود گفتم: چرا خود را لای باید بحث های پیچیده و سخت، خسته گرده و راه را دور و دورتر کنم. براستی این همه شگفتی ها در این گل ها و میوه ها، چگونه می تواند کاری تصادفی و یا شگفتی ها در عین لطفت از لای سنتگ ها و زمین های سخت می باشد؟ چه کسی جوانه را بآن

ظرافت فوق العاده هدایت می کند که دز محکم اطراف خود را بشکافد و از

آن سر بیرون درآورد و با جهان خارج رابطه برقرار کند، از مواد غذایی

خاک بپرسید، از آب و رطوبت موجود در اطرافش سیراب شود. گیاه را باز

سرعت در دو طرف مختلف شروع به حرکت کند؟ چه کسی به برگ این ویژگی های طلیف و مهم را داده است که

ریشه به زمین فرو رود و بی سوی دیگر به صورت ساقه سر از زمین برداد؟

چگونه ریشه در عین لطفت از لای سنتگ ها و زمین های سخت می

گذرد؟ چه کسی به برگ این ویژگی های طلیف و مهم را داده است که

سوراخ های بسیار ریز روی برگ، هوا را در این جا

کرده و کلوفیل گیاهی با آن می سازد و در مقابل اکسیژن و مقداری

روطوبت برای پاکسازی هوا عرضه می کند؟ چه نیرویی به گیاهان اجازه می

دهد برخلاف قانون جاذبه آب را زمین به طرف بالا برد و به همه شاخه

های خود را اول صبح رو به سوی مشرق و هنگام غروب رو به سوی مغرب

قرار دهد؟ چه کسی عصاره ای در لذت بخش و معطر را در درون بخش های

مخالف قاچ های پرتقال قرار داده و این شیشه های خوراکی را بگوشه های

# اللهم علیکم بجهت میر حضرت

## آسان ترین راه برای رسیدن به یقین قلبی

وقتی به خودم می‌نگرم، احساس می‌کنم با اینکه دلیل‌های عقلی و فلسفی و کلامی اثبات خداوند و صفات الهی را پلدم، اما یقینی که یک روستایی پاک و بی‌آلایش به خداوند دارد را ندارم. گاه که می‌اندیشم می‌بینم نمی‌توانم از ته دلم معتقد شوم خدایی هست با اینکه می‌توانم دلیل وجود خدا را برای دیگران تدریس هم بکنم، و این خیلی تأسیف‌بار است.... دلیل این مطلب روش است. مسئله، همان فرق میان ذهن و قلب است، یقین ذهنی، مانند کسی که از دور دور می‌بیند و به وجود آتش بی‌می‌برد، اما کسی هم از نزدیک آتش را می‌بیند و حتی مرتبه بالاتر هم وجود دارد. که همان سوختن در آتش و اتحاد با آن است. آیا برای امثال من هم راهی برای رسیدن به یقین قلبی وجود دارد؟ قطعاً این راه برای همه وجود دارد. یکی از سنت‌های خداوند متعال، این است که اگر کسی به خدا توکل نماید، وی را به مقسودش می‌رساند. این طلبی است که کامایش همه مابودن، ماهم به قیمت گراف فروختیم. امام فرمود: سبحان الله عليه مسلمانان هم پیمان شدید که کالایتان را جز در برابر هر دینار سرمایه یک دینار سود نفوذشیداً امام اصل سرمایه را برداشت و سودش را نپذیرفت و فرمود: ای مصادفاً چکاچک شمشیرها از کسب روزی حلال آسانتر است.

**۱- کار و تلاش و دستگیری از مستمندان**  
حسن بن زیاد می‌گوید: از ابوحنیفه پرسیدم: به نظر تو چه کسی در فرقه سرآمد است؟ گفت: عجفرین محمد. روزی منصور دوایقی به من گفت: مردم توجه زیادی به عجفرین محمد پیدا کردند و سیل جمعیت به سوی او سرازیر شده است. پرسشهایی دشوار آمده کن و پاسخ‌هایش را بخواه تا او از چشم مسلمانان بیفتد. من چهل مسئله دشوار آمده کردم. هنگامی که وارد مجلس شدم، دیدم امام در سمت راست منصور نشسته است. سلام کردم و نشستم. منصور از من خواست سوالات را بپرسم. من یک یک سوال می‌کردم و حضرت در جواب می‌فرمود: در مردم این مسئله، نظر شما چنین و اهل مدینه چنان است و فتوای خود را نیز می‌گفتند که گاه موافق و گاه مخالف ما بود.

## ب- ویژگی‌های عصر آن حضرت

عصر امام صادق(ع) همزمان با دو حکومت مروانی و عباسی بود که اນواع تضییق‌ها و فشارها بر آن حضرت وارد می‌شد، بارها او را بدون آن که جرمی مرتکب شود، به تعیید می‌بردند. از جمله یکبار به همراه پدرش به شام و بار دیگر در عصر عباسی به عراق رفت. یکبار در زمان سفاح به حیره و چند بار در زمان منصور به حیره، کوفه و بغداد رفت. با این بیان، این تحلیل که حکومت‌گران به دلیل نزاع‌های خود، فرست آزار امام را نداشتند و حضرت در یک فضای آرام به تاسیس نهضت علمی پرداخت، به صورت مطلق پذیرفتنی نیست، بلکه امام با وجود آذارهای موسمی اموی و عباسی از هر نوع خداوند، یقین حاصل نمود. از همین الان، مشکلاتی که داری در نظر بیاورد، برای آن‌ها با خلوص نیت و حضور قلب، توکل بر خداوند نما و بعد بنشین و هترنایی خداوند را بین. باور کنید خدا به گونه‌ای خود را نشان می‌دهد که دیگر شکی باقی نمی‌ماند. و مخصوصاً کار را طوری حل می‌کند، که اصلاً فکرش را نمی‌کردیم که این راه هم وجود داشت. البته از قدیم‌الایام این بحث بوده که زانو شتر بیند و سپس توکل نما. من هم قبول دارم، اما تلاش در کنار توکل دو شرط دارد. ۱- عدم تکیه بر تلاش - ۲- عدم تلاش غیرمتعارف.

شرط اول این است که تلاش خود را موثر ندانی، بلکه اعتماد بر خداوند نمایی. بحث اعتماد به نفس هم به این معنا درست است که اعتماد به داده‌های خداوند را باشیم که همان توانایی‌های وجودی ماست، نه اینکه به نفس خود تکیه کنیم و آن را مستقل انگاریم. به عبارت کوتاه‌تر تلاش ما شرط رسیدن به روزی‌های مادی و معنوی خداوند است، نه ایجاد کننده روزی‌ها. شرط دوم این است که تلاش‌های غیرمتعارف؛ مانند رو زدن به این و آن یا فعالیت زیاد به گونه ای که وقتی برای عبادات و نماز جماعت و جمعه نماند و تفکر بیش از حد درباره اداره زندگی و امثال این‌ها را ترک نماییم. و به طور متuarf و منظم به فعالیت پردازیم. همانا آن اسلام است. و ایمان، یک درجه از آن بالاتر است و تقوی، یک درجه از ایمان بالاتر است و یقین، یک درجه از تقوی بالاتر است و کمتر از یقین، بین مردم پخش نشده است. گفتم یقین چیست؟ فرمود: توکل بر خدا و تسلیم خدا شدن و رضا به قضای الهی و اگذاری امور به خداوند» بعد از اینکه با توکل به وجود نیروی ماورائی و تأثیر آن بی پردازیم، چون بین وجود و حضور، فرق وجود دارد. فلان سنگ، در فلان جنگل آفریقا وجود دارد، اما در زندگی من و در دل من حضوری ندارد. انسان در توجهات خود زندگی می‌کند. ممکن است کسی به وجود خدا از لحاظ عقلی یقین داشته باشد، اما خدا در زندگی وی حضور نداشته باشد. بنابراین آن روستایی با چند تا توکل بر خدا گفتن به تجویه حضور خدا در زندگی خود می‌رسد، اما من در اصطلاحات کلامی و فلسفی گیر کرده‌ام. و مشکل آن‌جایی بیش می‌اید که حساب ماهای از آن روستایی در محضر الهی سخت تر هم خواهد بود. به حال برای اثبات عرایض خود به حدیثی اشاره می‌کنیم. از امام رضا صاع درباره ایمان و اسلام سوال کردم. حضرت فرمود: ابو جعفر(امام باقر علیه السلام) فرمود: همانا آن اسلام است. و ایمان، یک درجه از آن بالاتر است و تقوی، یک درجه از ایمان بالاتر است و یقین، یک درجه از تقوی بالاتر است و کمتر از یقین، بین مردم پخش نشده است. گفتم یقین چیست؟ فرمود: توکل بر ما عجفرین محمد(ع) است. فرزند محمدبن اشعت می‌گوید: پدرم گفت: همین (اقرار دشمن) باعث شد که ما به تشیع روی آوریم.

## موزک تحقیقات حضرت ولی عصر علیه السلام

**نگاهی به سیره امام صادق علیه السلام**  
۲- ساده زیستی و همنگی با مردم  
امام همانند مردم معمولی لباس می‌پوشید و در زندگی رعایت اقتتصادرا می‌کرد. می‌حضرت، بسته بودن راه‌های دیگر بود. چنان‌چه امام از ناچاری عمداً رو به تقیه می‌آورد. زیروا خلفاً در صدد بودند با کوچکترین بهانه‌ای حضرت را از سر راه خود بردازند. لذا فرمود: بهترین لباس در هر زمان، لباس معمول همان زمان است. لذا گاه لباس نو و گاه لباس وصله دار برتون می‌کرد. لذا وقته سفیان ثوری به وی اعتراض می‌کرد که: پدرت منصور می‌گفت: «هذا الشجعی معتبرن فی الحلق»؛ عجفرین محمد مثل استخوانی در گلو رفته، با این بیان، این تحلیل که حکومت‌گران به دلیل نزاع‌های خود، فرست آزار امام را نداشتند و حضرت در یک فضای آرام به تاسیس نهضت علمی پرداخت، به صورت اصل سرمایه را برداشت و سودش را نپذیرفت و فرمود: ای مصادفاً چکاچک شمشیرها از کسب روزی حلال آسانتر است.

## ۳- علم امام صادق(ع) و اقدامات وی

در این باره چهار موضوع قابل توجه است:  
الف- دانش امام.  
ب- ویژگی‌های عصر آن حضرت که منجر به حرکت علمی و پایه ریزی نهضت علمی شد.  
ج- اولویت‌ها در نهضت علمی.  
د- شیوه‌ها و اهداف و نتایج این نهضت علمی.

## عمل خالص...

آقای قدس می‌گوید: روزی آقا (مرحوم بهجت) در رابطه با پاداش عمل صالح اگر چه اندک باشد، فرمود یکی از علمای نجف روزی در مسیر راهش به فقیری یک درهم صدقه داد (البته بیشتر از آن نداشت) شب در خواب دید او را به باغی مجلل و دارای قصری بسیار عالی و زیبا دعوت کرد که نظر آن را کسی ندیده بود. پرسید این باغ و قصر از آن کیست؟ گفتند: از آن شماست. تعجب کرد که من در برابر این همه تشریفات، عملی انجام نداده‌ام. به او گفتند: تعجب کردی؟ تعجب نکن. این پاداش آن یک درهم شماست. که خالصانه و با حسن عمل انجام گرفته است.

منبع: مرکز تنظیم و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی بهجت قدس سره



سوال: حکم بازی با تخت نزد را بیان کنید؟  
آیات عظام امام، تبریزی، خامنه‌ای، فاضل و مکارم:

اگر از آلات قمار محسوب شود بازی با آن هر چند بدون برد و باخت باشد

آیات عظام بهجت و وحید:

بازی با نزد، اگر به صورت برد و باخت باشد، حرام است و بدون آن بنابر احتیاط واجب بنا بر احتیاط واجب جایز نیست.

آیات عظام سیستانی، صافی و نوری:

حرام است.

سوال: بازی ورق و یا پاسور چه حکمی دارد؟  
آیات عظام امام، تبریزی، خامنه‌ای، صافی، نوری و وحید:

بازی با آلات قمار - هر چند بدون برد و باخت - حرام است.

آیات عظام بهجت و مکارم:

اگر به صورت برد و باخت باشد، حرام است و بدون آن بنابر احتیاط واجب جایز نیست.

آیت... سیستانی:

اگر به صورت برد و باخت باشد، حرام است و اگر بدون برد و باخت و شرط بنندی باشد. چنانچه در عرف محل (شهر) از آلات قمار شناخته شود

بنابر احتیاط واجب بازی و این جایز نیست.

آیت... فاضل لنگرانی:

اگر در عرف از آلات قمار بود خارج شده باشد و برد و باختی در کار نباشد اشکال ندارد.

عمل خالص...

آقای قدس می‌گوید: روزی آقا (مرحوم بهجت) در رابطه با پاداش عمل صالح اگر چه اندک باشد، فرمود یکی از علمای نجف روزی در مسیر راهش به فقیری یک درهم صدقه داد (البته بیشتر از آن نداشت) شب در خواب دید او را به باغی مجلل و دارای قصری بسیار عالی و زیبا دعوت کرد که نظر آن را کسی ندیده بود.

پرسید این باغ و قصر از آن کیست؟

گفتند: از آن شماست.

تعجب کرد که من در برابر این همه تشریفات، عملی انجام نداده‌ام. به او گفتند: تعجب کردی؟ تعجب نکن. این پاداش آن یک درهم شماست.

که خالصانه و با حسن عمل انجام گرفته است.